

فصلنامه علمی تاریخ اسلام و ایران دانشگاه الزهراء (س)
سال سی و سه، دوره جدید، شماره ۵۸، پیاپی ۱۴۸، تابستان ۱۴۰۲
مقاله علمی - پژوهشی
صفحات ۱۵۵-۱۸۱

رابطه امنیت اقتصادی در امان نامه جوهر صقلی با شورش های سیاسی دوره اول خلافت فاطمیان^۱

وجیهه گل مکانی^۲

فاطمه جان احمدی^۳

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۱۱/۱۸
تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۴/۲۹

چکیده

امنیت به عنوان نیاز اساسی جوامع، در طول تاریخ ابعاد مختلفی پیدا کرده و بُعد اقتصادی آن به عنوان هدفی میانی برای ملل مسلمان، همواره از اولویت بیشتری برخوردار بوده است. امان نامه جوهر صقلی فرمانده سپاه فاطمیان به مردم مصر، یکی از مهم ترین اسناد تاریخی درباره توجه مسلمانان به موضوع امنیت اقتصادی است. مصر در آستانه ورود فاطمیان، بر اثر بحران های سیاسی متعدد، در شرایط اقتصادی نامتعادلی قرار داشت و همین امر سبب شد جوهر صقلی بتواند با تنظیم امان نامه ای مکتوب که در آن تأمین امنیت، به ویژه امنیت اقتصادی مصریان تضمین می شد، زمینه های فتح این سرزمین را بدون مقاومت و خون ریزی فراهم آورد. مقاله حاضر تلاش دارد با تحلیل محتوای این امان نامه، وعده فرمانده فاطمیان برای تأمین امنیت اقتصادی در مصر را مورد بررسی قرار دهد و به این سؤال اساسی پاسخ دهد که چه ارتباطی میان شورش های سیاسی دوره اول خلافت فاطمیان در مصر (۳۵۸-۴۸۷ق) با موضوعات مطرح شده در این سند، به منظور تأمین امنیت اقتصادی وجود دارد؟ یافته های پژوهش مبتنی بر روش توصیف و تحلیل داده های تاریخی و همچنین تحلیل

۱. شناسه دیجیتال (DOI): 10.22051/hii.2023.42723.2751

شناسه دیجیتال (DOR): 20.1001.1.2008885.1402.33.58.6.7

۲. دانشجوی دکتری رشته تاریخ اسلام، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران.
golmakani14@gmail.com

۳. استاد گروه تاریخ، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران (نویسنده مسئول).
f.janahmadi@modares.ac.ir

مقاله برگرفته از رساله دکتری با عنوان «ریشه یابی بحران های اقتصادی و راهکارهای مواجهه با آن در دوره اول خلافت عباسیان و فاطمیان» دانشگاه تربیت مدرس در سال ۱۴۰۲ است.

محتوای متن امان‌نامه، نشان می‌دهد که شورش‌های سیاسی این دوره، براساس علل شکل‌گیری آنها، در شش سنخ کلی قابل طبقه‌بندی می‌باشند که همگی با مضامین امان‌نامه در زمینه تأمین امنیت اقتصادی مرتبط‌اند.

واژه‌های کلیدی: مصر، فاطمیان، امنیت اقتصادی، شورش‌های سیاسی، امان‌نامه جوهر صقلی

مقدمه

جوهر صقلی نخستین سردار فاطمی است که توفیق تصرف مصر را به سال ۳۵۸ق. یافت و بر آن تا زمان ورود المعز به سال ۳۶۳ق. حکومت راند. منابع تاریخی تصویری متمایز از مصر در آستانه ورود این سردار فاتح ارائه داده‌اند؛ چنان‌که گزارش‌های تاریخی حاکی از آن است که مصر با مرکزیت فسطاط، در اواخر عصر اخشیدی به علت بحران‌های سیاسی متعدد در شرایط اقتصادی نامتعادلی قرار داشت. دانسته است که در دهه‌های پس از سقوط طولونیان، کشمکش‌های پیاپی والیان متعدد عباسی بر سر قدرت، صدمات مهلکی بر ساختار اقتصادی مصر و شام وارد کرده بود و همین روال تا پایان عصر اخشیدیان دوام یافت؛ به طوری که بحران‌های اقتصادی پی‌درپی در این منطقه و عدم توانایی واپسین امرای اخشیدی در مهار این بحران‌ها، زمینه ورود بی‌دغدغه و پذیرش فاطمیان در مصر را فراهم کرد. برخی از پژوهشگران علت اصلی گرایش مردم مصر به فاطمیان در این زمان را نیاز به امنیت، به ویژه امنیت اقتصادی دانسته‌اند (ر.ک. به: چلونگر، ۱۳۸۶: ۱۳). مطالعات مقدماتی متکی بر منابع تاریخی نشان می‌دهد که سردار فاطمی با تنظیم سندی رسمی موسوم به «امان‌نامه» که مشحون از وعده‌های عملیاتی برای برطرف کردن مشکلات اقتصادی مردم مصر بود، توانست مردم این سامان را متقاعد کند که خلافت فاطمیان دغدغه و توانایی لازم برای تأمین امنیت اقتصادی این سرزمین را دارد. در نتیجه، نظامیان فاطمی بدون مواجهه با مقاومت جدی، در سال ۳۵۸ق. ضمن ورودی فاتحانه به مصر، توانستند بر شهرهای آن مسلط شوند.

با توجه به اینکه به نظر می‌رسد این امان‌نامه به مثابه پروتکلی جامع، توانسته بود از یک سو نقش مهم و تعیین‌کننده‌ای در معرفی مواضع فاطمیان و برنامه‌های آتی آنان و از سوی دیگر، تحدید دامنه بحران‌های اقتصادی و برون‌رفت از مشکلات ناشی از آن را ایفا کند، بررسی و تحلیل محتوای آن مهم و ضروری می‌نماید. این در حالیست که خلافت فاطمیان مانند دیگر دولت‌های اسلامی، همواره با شورش‌های متعددی مواجهه بوده است. ردیابی حوزه عملیاتی وعده‌های داده‌شده در این امان‌نامه با شورش‌های این عصر می‌تواند بر اهمیت

موضوع بیفزاید. از این رو، خواست نگارندگان مقاله حاضر بررسی نسبت میان وعده‌های مطروحه در متن امان‌نامه و جنبش و شورش‌های دوره اول خلافت فاطمیان از سال ۳۵۸ تا ۴۸۷ق. است و این سوال مطرح می‌شود که چه ارتباطی میان شورش‌های سیاسی دوره اول خلافت فاطمیان در مصر با موضوعات مطرح‌شده در این سند به‌منظور تأمین امنیت اقتصادی وجود دارد؟ به منظور پاسخ‌گویی به این سؤال، ابتدا با تکنیک تحلیل محتوای کمی و کیفی، مضامین مطابق با شاخص‌های امنیت اقتصادی از متن امان‌نامه استخراج شده و در نوزده مورد خلاصه شده است. سپس ناآرامی‌های سیاسی این دوره و ارتباط احتمالی آنها با مضامین امان‌نامه، مورد مطالعه قرار گرفت. نخستین گمانه قابل طرح مبنی بر این است که شورش‌ها و ناآرامی‌های سیاسی دوره اول فاطمیان که ذیل شش عنوان کلی قابل تقسیم‌بندی است، با موضوع امنیت اقتصادی مرتبط است. توضیح این نکته بجاست که به دلیل بروز قحطی و بحران اقتصادی ناشی از آن در دوره خلافت المستنصر فاطمی، بازه زمانی خلافت او تا پایان عصر فاطمیان (۴۲۷ تا ۵۶۷ق) در حوزه این بررسی قرار نگرفته و تنها شورش‌ها و ناآرامی‌های سیاسی، از هنگام ورود جوهر صقلی به مصر تا ابتدای خلافت المستنصر بالله (۳۵۸-۴۸۷ق) که در این مقاله به «دوره اول خلافت فاطمیان در مصر» موسوم است، بررسی شده است.

بررسی‌ها نشان داد که در این زمینه تنها یک مقاله با عنوان «راهبردهای جوهر صقلی در فرهنگ‌سازی مذهب اسماعیلی در مصر (مطالعه موردی: امان‌نامه جوهر)» به رشته تحریر درآمده که محتوای امان‌نامه از منظر مذهبی مورد توجه نویسنده مقاله قرار گرفته است. علاوه بر این، «محمود محمد خلف» در کتابش با عنوان *ثورات المصريين فی العصر الفاطمی* شورش‌های سیاسی دوره فاطمیان را دسته‌بندی کرده است، اما اساساً این اثر هیچ ارتباطی با امنیت اقتصادی و امان‌نامه جوهر صقلی ندارد و تنها می‌تواند در بازیابی شورش‌ها مفید باشد. در برخی پژوهش‌های مربوط به دوره فاطمیان به جنبه‌های محدودی از ارتباط شورش‌های سیاسی مصر با مسائل اقتصادی سخن به میان آمده است که از آن جمله می‌توان به این آثار اشاره کرد: آمینه أحمد إمام الشوریجی در *رؤية الرحالة المسلمين للاحوال المالية والاقتصادية لمصر فی العصر الفاطمی، العیدروس در الدولة الإسلامية الخامسة، حسن ابراهیم حسن در الفاطمیون فی مصر و اعمالهم السیاسیة و دینیة بوجه خاص، ایمن فؤاد سید در کتاب دولت فاطمیان در مصر، تحلیلی جدید، احمد السید الصاوی در مجاعات مصر الفاطمیة، اسباب و نتائج، سلام شافعی محمود در اهل الذمه فی مصر فی العصر الفاطمی الاول، محمد جمال‌الدین سرور در النفوذ الفاطمی فی بلاد الشام و العراق و احمد السید محمد زیاده در «التجار الاجانب فی مصر فی العصر الفاطمی».*

تحلیلی بر محتوای امان‌نامه سردار فاطمیان

تاریخ فاطمیان یکی از مستندترین دوران‌های تاریخی مسلمانان است و بر همین اساس مراجعه به اسناد به عنوان یکی از مهم‌ترین منابع نقل تاریخی در میان فاطمیان حائز اهمیت است (بابایی سیاب، ۱۳۹۷: ۴۶-۷۶). در میان اسناد تاریخی موجود از دوره فاطمیان، شاید بتوان گفت امان‌نامه جواهر صقلی فرمانده سپاه فاطمیان به مردم مصر، یکی از مهم‌ترین اسناد درباره توجه مسلمانان به موضوع امنیت اقتصادی است. فرزاهای این امان‌نامه و وعده‌های سردار فاتح مصر در بدو ورود نشان می‌دهد که فاطمیان در کاربست شیوه کنترل اجتماعی و بالا بردن مشارکت مصریان و افزودن مقبولیت خویش موفق جلوه کرده‌اند. فتح و تصرف آرام مصر مؤید این ادعاست.

گفتنی است تحلیل صورت‌گرفته در این مقاله، براساس متنی از امان‌نامه است که ابن‌حمّاد صنهاجی نویسنده کتاب *اخبار ملوک بنی‌عبید و سیرتهم* آورده که در پیوست مقاله آمده (الصنهاجی، ۱۳۸۷: ۶۶-۶۹) و هدف آن تحلیل محتوای این سند تاریخی با رویکرد امنیت اقتصادی است. در این تحلیل هرچند از روش کمی استفاده شده، اما تأکید اصلی بر روش کیفی است. متن امان‌نامه در سایر منابع تاریخی، از جمله *تعاض الحنفاء* مقریزی با تفاوت‌های جزئی آمده است (مقریزی، ۱۳۸۷: ۱۰۳/۱-۱۰۶).

پرسش‌ها:

۱. محتوای امان‌نامه جواهر صقلی شامل چه واژه‌هایی است؟
۲. بیشترین فراوانی واژه‌ها در امان‌نامه جواهر صقلی شامل چه موضوعاتی است؟
۳. الگوهای معنایی و پنهان در این امان‌نامه شامل چه موضوعاتی است؟
۴. تا چه اندازه در امان‌نامه جواهر صقلی بر امنیت اقتصادی تأکید شده است؟

پرسش شماره یک:

- محتوای امان‌نامه جواهر صقلی شامل چه واژه‌هایی است؟
از محتوای متن با توجه به فراوانی واژه‌ها، سه کُده به دست آمد: امنیت، رفع ظلم، اموال و دارایی‌ها. نتایج تحلیل کمی به شرح جدول پیوست شماره یک می‌باشد.

پرسش شماره دو:

- بیشترین فراوانی واژه‌ها در امان‌نامه جواهر صقلی شامل چه موضوعاتی است؟
بیشترین فراوانی واژه‌ها در امان‌نامه جواهر صقلی به کُد شماره یک (امنیت) مربوط می‌شود که

فصلنامه علمی تاریخ اسلام و ایران دانشگاه الزهراء(س)، سال ۳۳، شماره ۵۸، تابستان ۱۴۰۲ / ۱۵۹

شامل آسایش، در امان بودن، برابری، گسترش حق، رفع ستم، عدالت، انبساط خاطر، اطمینان، اعتماد، دادخواهی و امنیت است.

پرسش شماره سه:

– الگوهای معنایی و پنهان در امان‌نامه جوهر صقلی شامل چه موضوعاتی است؟
آنچه در الگوهای معنایی و پنهان از زمینه متن امان‌نامه جوهر صقلی نتیجه‌گیری می‌شود، عبارت است از:

۱. وجود دولت، حکومت یا مهاجمانی که قبل از ورود فاطمیان، به مردم مصر ظلم و ستم می‌کردند.

۲. هدف این امان‌نامه اطمینان دادن به مردم مصر در برقراری امنیت در ابعاد مختلف در آینده است.

۳. بیشترین مشکلات مردم مصر، مشکلات اقتصادی و از بین رفتن ارزش پول بوده است.
۴. در نهایت، مهم‌ترین اهداف فاطمیان برای اعزام سپاه به مصر و دادن امان‌نامه به مردم عبارت بود از: به دست گرفتن قدرت برای یاری رساندن به مسلمانانی که توسط ظالمان ذلیل شده بودند؛ کمک به مظلوم و ریشه‌کن کردن ظالم و نجات مردم مصر از ذلتی که در آن قرار داشتند؛ قطع دست متجاوزان از ثروت‌ها و دارایی‌های مصر؛ برقراری عدالت و گسترش حق و برابری؛ ایجاد امنیت جانی و مالی و اقتصادی براساس کتاب خدا و سنت پیامبر(ص).

پرسش شماره چهار:

– تا چه اندازه در امان‌نامه جوهر صقلی بر امنیت اقتصادی تأکید شده است؟
تطبیق متن امان‌نامه بر این تعریفی که از امنیت اقتصادی گفته شد، نشان می‌دهد که در این سند مکتوب، علاوه بر سایر تعهدات سیاسی و اقتصادی، نوزده مضمون مرتبط با امنیت اقتصادی نیز وجود دارد که در جدول شماره ۲ پیوست مقاله آمده است.

سنخ‌شناسی انواع شورش‌های سیاسی دوره اول خلافت فاطمیان در مصر بر مبنای

شاخص‌هایی که در امان‌نامه فاطمیان برای تأمین امنیت اقتصادی معین شده است

همان‌طور که در تحلیل محتوای امان‌نامه آمد، فرمانده فاطمیان در این سند رسمی برای تحقق امنیت اقتصادی در مصر وعده‌هایی داده است که در نوزده مورد خلاصه می‌شود. برای بررسی ارتباط شورش‌ها و ناآرامی‌های سیاسی بازه زمانی تحقیق با مفاد امان‌نامه در زمینه تأمین امنیت اقتصادی، ابتدا مهم‌ترین ناآرامی‌های دوره‌های مختلف خلفای فاطمی تا زمان خلافت مستنصر را استخراج کرده و سپس با واکاوی علل شکل‌گیری، این حوادث را دسته‌بندی کردیم. این

دسته‌بندی نشان داد که ناآرامی‌های این بازه زمانی، شامل شش سنخ کلی از شورش‌های سیاسی است که همگی با مضامین موضوع تأمین امنیت اقتصادی مرتبط‌اند. در ادامه به شرح این شورش‌ها پرداخته شده است:

۱. شورش‌های متأثر از اصلاحات پولی فاطمیان

جدی‌ترین ناآرامی سیاسی مصر در ابتدای ورود فاطمیان به این منطقه که توسط صراف‌ها (صیارفه) صورت گرفت، زمینه‌های اقتصادی داشت و خیر از لزوم فوری کنترل بحران پولی در مصر می‌داد. پس از تصرف مصر توسط مسلمانان، واحد پول طلا بود (مقریزی، ۱۴۰۸: ۱۱۳). فاطمیان با سیطره بر مغرب و افریقه و دستیابی به سرمایه عظیمی از طلا، توانستند از این سرمایه برای پیشبرد اهداف سیاسی و اقتصادی خود در مصر استفاده کنند (السید الصاوی، ۱۹۸۸: ۱۸۲). همان‌گونه که منابع متذکر شده‌اند، المعز هنگام خروج از بلاد مغرب، پانصد شتر همراه داشت و طلاهایی را که فاطمیان طی شصت سال اقامت در آنجا گرد آورده و به فرمان او به شکل سنگ آسیاب قالب‌ریزی کرده بودند، با خود به مصر آورد (ابن‌اثیر، ۱۳۷۱: ۳۱/۲۱). همان‌گونه که از امان‌نامه جوهر به مصری‌ها برمی‌آید، وضعیت پول در مصر در زمان فتح و تصرف دچار نابسامانی بوده است. افت عیار و کیفیت نامطلوب ضرب آن و احتمالاً غش در ضرب سکه موجب شده بود جوهر در امان‌نامه به مصری‌ها وعده دهد که کیفیت سکه را بالا خواهد برد و از هرگونه دست‌کاری در آن جلوگیری خواهد کرد. مقریزی نوشته است جوهر بلافاصله پس از ساخت شهر جدید (قاهره) فرمان گشایش دارالضرب فسطاط را که تعطیل شده بود و همچنین ضرب سکه جدید را صادر کرد (مقریزی، ۱۴۰۸: ۷۸). مطابق شواهد موجود، آخرین دیناری که در عهد اخشیدیان ضرب شد، مربوط به سال ۳۵۵ق. است (العش، ۱۴۲۴: ۴۳/۱). وعده جوهر با ضرب «دینار معزی» در همان سال ۳۵۸ق. با وزن و خلوص حدود ۲۴ قیراط محقق شد (مقریزی، ۱۴۰۸: ۶۵). هنگامی که مصر به تصرف فاطمیان درآمد، یکی از دینارهایی که در مصر رواج داشت و عباسیان آن را ضرب می‌کردند، «دینار راضی» بود و دینار دیگری از نقره زراندود شده وجود داشت که به «دینار الأبيض» یا «دینار سفید» معروف بود. این سکه ارزش چندانی نداشت و عمدتاً نقره آن بیشتر بود. جوهر در سال ۳۵۹ق، یعنی یک سال پس از تسخیر مصر، مبادله دینار سفید را -که ارزش آن از ده درهم تجاوز نمی‌کرد- منع کرد (مقریزی، ۱۳۸۷: ۱۲۲/۱). هرچند آن را از چرخه نظام پولی خارج نکرد، اما ارزش آن را تا شش درهم تقلیل داد که همین امر خود موجب بی‌ارزشی و حذف آن از نظام پولی شد و ورشکستگی بعضی از مردم را به دنبال داشت و مردم واکنش نشان دادند (همو، همان، همان‌جا). سرانجام در سال ۳۶۱ق. دستور داد آنها را از بازار جمع‌آوری کنند (همان، ۱۳۱). در

برخی منابع گزارش‌هایی از وجود این سکه در سال‌های بعد دیده می‌شود که نشان می‌دهد جوهر موفق به جمع‌آوری کامل این سکه‌ها نشده بود. مقریزی درباره سال ۳۶۲ق. نوشته است که جوهر به دلیل اعتراض مردم مجبور شد ارزش دینار سفید را تا هشت درهم بالا بکشد (همان، ۱۳۲). در همین سال صرافی‌ها شورش کردند. از این گزارش چنین به نظر می‌رسد که تغییر سکه و پول رایج توسط جوهر صقلی، ضرر کلانی به صرافان وارد کرده بود؛ زیرا مقریزی نوشته است پس از آنکه جوهر در سال ۳۵۹ق. معامله با دینار سفید را -که هر واحد آن معادل ده درهم بود- ممنوع کرد، دینار راضی را معادل ۱۵ درهم و دینار معزی را معادل ۲۵/۵ درهم قرار داد. صرافان و مردم مقاومت کردند؛ به همین دلیل ارزش دینار سفید را به شش درهم رسانید و با این کار به افراد زیادی خسارت زد و آنها را فقیر کرد (همان، ۱۲۲).

جوهر صقلی برای اینکه بتواند ثبات سیاسی حکومت جدید را تثبیت و پایه‌های آن را مستحکم کند، استفاده از دینارهای عباسی را ممنوع کرد. اصرار او بر دریافت مالیات با دینار معزی، موجب شد قیمت دینار عباسیان رفته‌رفته کاهش یابد و سپس از چرخه مبادلات حذف شود (مقریزی، ۱۴۰۸: ۲۷).

واکنش صرافان در برابر تغییرات پولی به وجود آمده که به ضرر آنها بود، تند و مخاطره‌آمیز بود. بر همین اساس ناآرامی، قیام و شورش بزرگی صورت گرفت و صرافان در مسیرهای رفت و آمد اعتصاب کردند و شعارهای ضد شیعی سر دادند (مقریزی، ۱۳۸۷: ۱۳۲/۱). این شورش‌ها سبب شده بود فرمانده فاطمی رویه مسالمت‌آمیز خود در قبال مصری‌ها را تغییر دهد و حتی تهدید به آتش کشیدن میدان صرافان کند (حسن، ۱۹۳۲: ۱۸۶) و اگر ترس وی از گسترش آتش به مسجد عمرو بن عاص و برانگیخته شدن احساسات عامه مصریان نبود، بدون تردید این کار را انجام می‌داد (مقریزی، ۱۳۸۷: ۱۳۲/۱).

نافرمانی دیگری نیز در زمان جوهر صقلی توسط اهالی تنیس صورت گرفت (همان، ۱۲۹) و این بود که آنها از ارسال مالیات به قاهره خودداری کردند. برخی پژوهشگران علت این طغیان سیاسی را صدمات اقتصادی وارد شده به این شهر مهم تجاری می‌دانند که به علت حذف سکه‌های شناخته‌شده عباسیان و جایگزینی سکه‌های جدید صورت گرفت (خلف، ۲۰۱۲: ۶۱-۶۲). این شورش اقتصادی توسط اهالی فسطاط تقویت شد؛ آن هم زمانی که جوانان این شهر با توزیع نوشته‌هایی در مسجد جامع، از مردم می‌خواستند سکه‌های شیعی را نپذیرند (همان، همان‌جا)، اما جوهر صقلی این اعتراض را با تدبیر و بردباری حل و فصل کرد (مقریزی، ۱۳۸۷: ۱۲۹/۱).

در زمان الحاکم بامرالله نیز جنگ با «أبی‌رکوه» که فردی جسور و صاحب‌نام بود، موجبات

نابسامانی‌های اقتصادی دامنه‌داری را فراهم آورد (نویری، [بی‌تا]: ۱۸۴/۲۸). مهم‌ترین پیامد اقتصادی شورش اُبی‌رکوه در این سال‌ها، کاهش ارزش پول در مصر بود. در این زمان، خلیفه فاطمی برای حفظ ارزش پول اقداماتی انجام داد. از ابتدای گرانی‌های سال ۳۹۵ق. قیمت دینار نسبت به درهم رو به فزونی گذاشت و در ماه رمضان ارزش هر ۲۶ درهم معادل یک دینار شد (مقریزی، ۱۴۱۶: ۵۸/۲). تداوم گرانی‌های ناشی از جنگ با اُبی‌رکوه در کنار سایر بلاهای طبیعی، مصر را در سال ۳۹۷ق. با یک بحران پولی عظیم مواجه کرد و شورش مجدد صراف‌ها را به دنبال داشت (همان، ۶۹).

مقریزی در کتاب *اغاثه* نوشته است: «در سال ۳۹۷ق. هر دینار به ۳۴ درهم رسید و باز هم قیمت آن بالا رفت و جامعه گرفتار بحران شد و مردم در تبدیل دینار به درهم بسیار در زحمت بودند؛ به همین سبب بسیاری از کارها خوابید. کار به اینجا رسید که بیست صندوق پر از درهم از بیت‌المال در میان صراف‌ها توزیع شد و از مردم خواستند که با درهم‌های مزایده و قطع داد و ستد نکنند و آنچه در دست دارند، به دارالضرب ببرند. سه روز مهلت دادند، بر مردم بسیار سخت می‌گذشت، چون اموالشان تلف می‌شد» (مقریزی، ۱۴۲۹: ۲۳-۲۴). خلیفه فاطمی به منظور مهار تورم، بار دیگر قانونی روانه بازار کرد که مطابق با آن هر دینار باید معادل ۱۸ درهم جدید خرید و فروش می‌شد (دواداری، ۱۴۲۲: ۲۷۵/۶).

۲. جنگ‌ها و شورش‌های متأثر از حفظ سیطره فاطمیان بر منطقه شام

ضرورت‌های سیاسی، نظامی و اقتصادی ایجاب می‌کرد فاطمیان سلطه و نفوذ خود را بر منطقه شامات حفظ و مستحکم کنند. این تسلط علاوه بر آنکه می‌توانست امنیت مصر را از ناحیه شمال شرقی تأمین کند، امکان کنترل تحرکات بی‌زانس و قرامطه را نیز برای فاطمیان فراهم می‌کرد (سرور، ۱۹۵۷: ۲۰). دانسته است که در آستانه ورود فاطمیان به مصر، دست‌کم تا عصر المعز، تحرکات قرامطه در منطقه شامات و حجاز جامعه اسلامی را به چالشی جدی کشانده بود. تدبیر المعز در فروکش کردن خطر قرامطه، اعزام جوهر برای قلع و قمع این جماعت معارض بود. بی‌تردید برگرفته از همین تدبیر، مهم‌ترین تعهدات جوهر صقلی در امان‌نامه‌اش، همانا رفع خطر قرامطه از منطقه شام و مقابله با تعرض آنان به مصر بود. همچنین فرمانده فاطمیان متعهد شده بود همه مسیرهای تجاری را که قرامطه و هم‌پیمانانشان به مخاطره انداخته بودند، امن سازد (صنهاجی، ۱۳۸۷: ۶۶-۶۹). ابن‌خلدون معتقد است دفع خطر حمله قرامطه به مصر، یکی از مهم‌ترین علل پذیرش و دعوت حکومت فاطمیان توسط مردم این منطقه بود (ابن‌خلدون، ۱۳۶۳: ۶۸/۳) که البته به مهم‌ترین چالش این حکومت در مصر هم تبدیل شد. در

فصلنامه علمی تاریخ اسلام و ایران دانشگاه الزهراء^(س)، سال ۳۳، شماره ۵۸، تابستان ۱۴۰۲ / ۱۶۳

همان آغاز ورود جوهر به مصر، خبر ورود قرامطه به رمله رسید (مقریزی، ۱۳۸۷: ۱۱۷/۱)؛ به همین دلیل یکی از علل منطقی برای ساخت شهر قاهره که با سرعت هم انجام شد، ایجاد پایگاهی برای جلوگیری از حملات احتمالی قرامطه به مصر بود (العیدروس، ۲۰۱۰: ۵۵۸)؛ به‌ویژه پس از قطع باج‌دهی مصر به قرمطیان که در زمان اخشیدی‌ها به آنها پرداخت می‌شد و مبلغ گزاف سیصد هزار دینار در سال بود (مقریزی، ۱۳۸۷: ۱۷۸/۱؛ ابن‌اثیر، ۱۳۷۱: ۲۵/۲۱).

پس از دفع خطر قرامطه، اداره منطقه شام مهم‌ترین دغدغه سیاسی دوره المعز بود. پس از آن و تا زمانی که تسلط فاطمیان بر منطقه شام در زمان بدرالجمالی کاهش یافت، شورش‌ها و درگیری‌های این منطقه استراتژیک اقتصادی از مهم‌ترین چالش‌های سیاسی فاطمیان بود. این ناآرامی‌ها از سال ۳۶۰ق. با حمله مجدد قرمطیان به دمشق (ابن‌اثیر، ۱۳۷۱: ۲۵/۲۱) و سپس به خود قاهره (مقریزی، ۱۳۸۷: ۱۳۰/۱) آغاز شد. این شورش‌ها عبارت بود از:

- شورش «ظالم بن موهوب عقیلی» استاندار دمشق در سال ۳۶۳ق. که برای بازگشت قرمطیان تلاش کرد (ابن‌اثیر، ۱۳۷۱: ۵۲/۲۱) و خسارات فراوان اقتصادی بر جای گذاشت. در پی این درگیری‌ها بازارها بسته شدند و بخش‌های زیادی از شهر دمشق در آتش سوزانده شد (ابن‌اثیر، ۱۳۷۱: ۵۴/۲۱).

- جنگ افتکین ترک علیه العزیز - که از قرامطه کمک گرفت - نیز در شام رخ داد (ابوالفداء، ۱۴۱۷: ۴۵۶/۱). اگرچه او در این جنگ شکست خورد، اما حدود چهار هزار نیروی انسانی فاطمیان را از بین برد (مقریزی، ۱۳۸۷: ۲۳۹/۱).

- شورش قسام حارثی در سال ۳۶۸ق. که در شام اعلام استقلال کرد (ابن‌القلائسی، [بی‌تا]: ۲۱).

- یکی دیگر از شورش‌های خطرناکی که فاطمیان با آن روبه‌رو شدند و ناوگان دریایی آنان در سرکوب آن شرکت داشت، شورش ملوانی معروف به «علاقه» در شهر صور بود که در سال ۳۸۷ق. و در دومین سال خلافت الحاکم صورت گرفت (ابن‌خلدون، ۱۳۶۳: ۸۰/۳).

- شورش «مُفْرَجُ بِنِ دَعْفَلِ بِنِ جِرَاح» در زمان الحاکم نیز در شام رخ داد (تامر، [بی‌تا]: ۴۷).

۳. شورش‌های تجزیه‌طلبانه متأثر از تلاش قدرت‌طلبان برای دستیابی به منابع اقتصادی

شهرهای ثروتمند مصر

یکی از تعهدات و وعده‌های مهم فاطمیان در امان‌نامه‌ای که جوهر صقلی به مردم مصر داد، حفاظت از منابع مهم اقتصادی این سرزمین ثروتمند بود. جوهر در امان‌نامه‌اش متذکر شده بود که: «و امیر المؤمنین این سپاه پیروزمند را برای بزرگداشت و حمایت و دفاع از شما فرستاد تا

در مقابل دستانی که قصد ربودن اموال و دست‌اندازی بر شما را دارند و طمع بر سیطره و اقتدار شما بسته‌اند، به یاری شما بشتابند» (صنهاجی، ۱۳۸۷: ۶۶).

مطالعات مقدماتی درباره ناآرامی‌های این دوره، نشان می‌دهد جغرافیای مناطقی که شورش‌ها در آنها به وقوع پیوسته است، در دوره‌های مختلف خلافت فاطمیان مشابه است؛ یعنی این شورش‌ها به صورت متوالی در شهرهای بزرگی چون تنیس، اسکندریه و مناطق مختلف دیگری از صعيد مصر تکرار می‌شدند که خصیصه مشترک آنها برخورداری از اقتصاد پررونق است. افزون بر این، در یک برآورد کلی می‌توان اذعان کرد که شورش‌های شهرهای اقتصادی، اغلب با هدف استقلال‌طلبی و با تکیه بر منابع مالی منطقه صورت می‌گرفت و در اعتراض به سیاست‌های حکومت فاطمیان نبود. یکی از مهم‌ترین شورش‌های استقلال‌طلبانه مصر در این زمان عبارت بود از: شورش «بشیر اخشیدی» در تنیس به سال ۳۵۹ق (مقریزی، ۱۳۸۷: ۱۲۰/۱). این شورش اگرچه توسط بازماندگان صاحبان قبلی قدرت صورت گرفت، اما انتخاب منطقه شورش می‌تواند به ظرفیت این شهر برای تجزیه و امکان اداره مستقل مربوط باشد. دانسته است که تنیس از شهرهای مصر سفلی است (ابن خردادبیه، ۱۹۹۲: ۸۲) و از نظر صنعتی یک منطقه مهم اقتصادی محسوب می‌شد و صنعت پارچه‌بافی آن مشهور بوده است (یعقوبی، ۱۳۵۶: ۱۱۶). مقدسی خبر از حجم بالای فعالیت‌های اقتصادی این منطقه داده و آن را تجارت‌خانه مشرق و مغرب دانسته و آنجا را بغداد کوچک و کوه طلا برشمرده است (مقدسی، ۱۳۶۱: ۲۸۷/۱).

بلافاصله پس از شورش تنیس، جوهر صقلی شخصاً سایر مناطق استراتژیک اقتصادی، مانند «صعيد مصر» را از نزدیک کنترل کرد (مقریزی، ۱۳۸۷: ۱۲۰/۱). صعيد مصر شهرهای مهم اقتصادی از جمله فیوم و أسوان را در برمی‌گرفت (مقدسی، ۱۳۶۱: ۲۷۵/۱) و در بیشتر شهرهای این منطقه معادن طلا و نقره وجود داشت (مجهول المؤلف، ۱۴۲۳: ۵۲). حضور پیشگیرانه جوهر در این مناطق از نظر اقتصادی، احتمالاً به معادن طلای آن و نیاز حکومت جدید برای ضرب سکه‌های طلای وعده داده‌شده در امان‌نامه مرتبط است و از نظر سیاسی نیز هوشمندانه بوده است؛ زیرا منابع نشان می‌دهند که همین مناطق اقتصادی (أسوان و سایر مناطق صعيد مصر) در زمان خلفای بعدی کانون شورش‌ها و ناآرامی‌های متعدد بودند. جوهر برای اهالی صعيد مصر، به جز امان‌نامه عمومی‌اش، یک امان‌نامه جدا هم نوشت (شافعی محمود، ۱۹۹۵: ۹۷) تا بتواند با آرام کردن اوضاع سیاسی این منطقه، ظرفیت‌های اقتصادی آن را برای حکومت تازه تأسیس مصر تضمین کند. همان‌طور که جوهر صقلی پیش‌بینی کرده بود، شورش بعدی در منطقه صعيد مصر و توسط «عبدالعزیز بن ابراهیم کلابی» صورت گرفت (مقریزی،

۱۳۸۷: ۱/۱۳۱).

نامنی بعدی در ذی‌حجه همان سال به وجود آمد که قرمطیان قُلزم را تصرف کردند (مقریزی، ۱۳۸۷: ۱/۱۲۹). کانالی که مصر را به دریای سرخ متصل می‌کرد، در کنار شهر قلزم قرار داشت. کشتی‌های تجاری از راه این کانال از مصر به دریای سرخ رفت‌وآمد می‌کردند و همین امر ثروت فراوانی به ساکنان شهر بخشیده بود (قرچانلو، ۱۳۸۲: ۱/۱۸۶). به گفته یعقوبی، خواروبار و غلات مصر از طریق این شهر به حجاز و یمن صادر می‌شد (یعقوبی، ۱۳۵۶: ۱۱۹)؛ لذا ممکن است همین قطع ارتباط تجاری مصر با مکه در پی از دست دادن موقت بندر قلزم و تصرف آن توسط قرمطیان، در عدم به رسمیت شناختن حکومت فاطمیان در مکه در همین سال (ابن اثیر، ۱۳۷۱: ۲۲/۲۱) تأثیرگذار بوده باشد.

در سال ۳۶۸ق. «حمزه بن نعله کنامی» از فرصت درگیری خلیفه العزیز در شام استفاده کرد و در منطقه أسوان که والی آنجا بود، ادعای استقلال کرد (مقریزی، ۱۳۸۷: ۱/۲۴۵). در سال ۳۸۵ق. «حمدان الأسیوطی» در منطقه صعید مصر شورش کرد (دواداری، ۱۴۲۲: ۱/۲۳۶). در جنگ میان الحاکم بامرالله فاطمی و ابی‌رکوه نیز مشکلات اقتصادی منطقه برقه به کمک الحاکم آمد و ابی‌رکوه را مجبور به جابه‌جایی کرد (انطاکی، ۱۹۹۰: ۲۶۴). ابی‌رکوه پس از این جابه‌جایی اجباری به سمت یکی از شهرهای ثروتمند مصر یعنی اسکندریه رفت. خلیج اسکندریه مهم‌ترین راه انتقال و حمل کالا به پایتخت فاطمیان بود (الشوریجی، ۱۹۹۴: ۴۰۸). بعد از استقرار فاطمیان در مصر، اسکندریه تبدیل به یک بازار مهم تجاری و پیوند میان راه‌های تجارت جهانی شده بود و یک رقیب اقتصادی جدی برای بغداد به حساب می‌آمد (زیاده، ۱۴۲۸ق: ۶۳). این شهر مهم‌ترین پایگاه دریایی در حوزه مدیترانه شرقی در سطح نظامی و اقتصادی بود و موقعیت جغرافیایی منحصر به فرد آن در ساحل دریای مدیترانه، در این موفقیت مؤثر بود (همو، همان، همان‌جا).

در این سال، یک شورش از بنی‌الحسین توانست تعداد زیادی از مخالفان حکومت فاطمی را در اطراف خود جمع کند. قبایل بنی‌هلال، بنی‌کلاب و بنی‌قره نیز به این شورش پیوستند (مسبحی، ۱۴۳۶ق: ۲۱/۴۰).

۴. شورش‌های مبتنی بر مطالبه حقوق اجتماعی و اقتصادی اهل ذمه

نخستین خلفای فاطمی در مواجهه با ذمیان به طرز شگفت‌انگیزی رویکردی عاری از تعصبات مذهبی از خود نشان دادند که البته با توجه به مذهب خاص و مخالف آنان با اکثریت مسلمانان، این جهت‌گیری از آنان انتظار نمی‌رفت (متز، ۱۳۸۸: ۷۱). مذهب اسماعیلیه رایج در

مصر، موافق قسمت عظیمی از توده مسلمانان سنی‌مذهب مصر نبود؛ لذا خلفای فاطمی به دلایل متعدد، از جمله حفظ سیاست موازنه می‌کوشیدند محبوبیت خود را در میان غیرمسلمانان حفظ کنند (قرچانلو، ۱۳۸۲: ۱۴۷/۲). جوهر صقلی در امان‌نامه خود به مردم مصر، با درک نقش مهم اهل ذمه در حفظ امنیت اقتصادی مصر، به آنان تعهد داده بود که حقوق اجتماعی و اقتصادی آنها محفوظ خواهد ماند «و اجراء أهل الذمه علی ما کانوا علیه». بررسی مجموع شورش‌ها در عصر اول فاطمیان نشان می‌دهد که شورش‌های اهل ذمه سهم محدودی در ناآرامی‌های سیاسی مصر داشته است. به آتش کشیدن ناوگان جنگی مصر در سال ۳۸۶ق. که برای جنگ با روم آماده شده بود (مقریزی، ۱۳۸۷: ۲۹۰/۱)، از نمونه اقدامات اهل ذمه در مصر است. این اقدام که توسط مسیحیان صورت گرفت، احتمالاً انگیزه مذهبی داشته است.

با وجود غالب بودن سیاست تسامح و تساهل فاطمیان نسبت به اهل ذمه مصر، برخی از خلفای فاطمی مانند الحاکم در این خط مشی کلی تغییراتی به وجود آوردند و پیامدهای سیاسی و اقتصادی آن را به حکومت فاطمیان تحمیل کردند.

یکی از مشخصات دوران حکمرانی الحاکم، شدت عمل علیه مسیحیان و یهودیان بود. نویری درباره تخریب همه کلیساهای منطقه مقس و حارة الروم در زمان الحاکم خبر داده است (النویری، [بی‌تا]: ۱۸۵/۲۸). در سال ۴۰۳ق. الحاکم دستور داد مسیحیان به دست خودشان کلیساهای را تخریب کنند و به جای آنها مسجد بسازند (همو، همان، ۱۹۲). این امر نوعی شکنجه روحی محسوب می‌شد و منطقی است که به شورش اجتماعی اهل ذمه در این سال منجر شود. مصادره اموال اماکن مقدس اهل ذمه ضررهای مالی فراوانی به نهادهای مذهبی غیرمسلمانان وارد کرد و حتی نخبگان آنان را در مقابل خلافت فاطمی قرار داد. در اطراف کنیسه‌ها و دیرهای اهل ذمه در مصر، زمین‌های وقفی بسیار وسیعی وجود داشت و فاطمیان هیچ‌یک از آنها را تصرف نکردند، جز در زمان الحاکم که برخی از این زمین‌ها متأثر از روابط فاطمیان با دول مسیحی مصادره شد (شافعی محمود، ۱۹۹۵: ۱۰۰-۱۰۲).

موضع الحاکم در قبال مسیحیان به‌طور خاص از سوی مسلمانان سنی‌مذهب که از باج‌گیری و تبعیض مأموران مالیاتی مسیحی در خشم بودند، با استقبال روبه‌رو شد (سید، ۱۴۰۰: ۱۶۳)، اما سیاست‌های او نسبت به اهل ذمه منجر به ایجاد مشکلات اقتصادی گردید و از همین منظر قابل بررسی است. ویران ساختن کلیسای «مزار مقدس» یا «قمامه» (قیامت) در اورشلیم در سال ۳۹۸ق، یکی از مهم‌ترین اشتباهات الحاکم بامرالله در مواجهه با اهل ذمه بود (ابن تغری بردی، ۱۳۹۲: ۲۱۸/۴؛ نویری، [بی‌تا]: ۱۸۴/۲۸) که خشم مسیحیان را برانگیخت و به پیمان صلح فاطمیان و بیزانس خاتمه داد. در سال ۴۰۶ق/۱۰۱۵م. امپراتور «باسیلیوس دوم»

فصلنامه علمی تاریخ اسلام و ایران دانشگاه الزهراء^(س)، سال ۳۳، شماره ۵۸، تابستان ۱۴۰۲ / ۱۶۷

فرمانی صادر و تجارت میان بیزانس و خلافت فاطمی را ممنوع کرد و همین آغازگر سیر نزولی تجارت فاطمیان با اروپا شد (دفتری، ۱۳۷۵: ۲۱۹). شورش اهل ذمه در زمان الظاهر نیز اتفاق افتاد و علت آن تنبیه افرادی از نصارا بود که در یکی از اعیاد سال ۴۱۵ق. در زیر پا گذاشتن هنجارهای اخلاقی افراط کرده بودند (مسیحی، ۱۴۳۶: ۲۱/۴۰).

۵. شورش‌های مبتنی بر بحران مشروعیت فاطمیان

بحران مشروعیت از جمله مهم‌ترین عوامل کاهش اقتدار حکومت‌هاست و شورش‌ها و تجزیه‌طلبی‌های سیاسی را به دنبال دارد (اعرافی، ۱۳۹۸: ۶۹). همچنین گستره و چگونگی مداخله دولت در شئون اقتصادی، همواره رابطه مستقیم با میزان مشروعیت حکومت‌ها داشته و خطر تزلزل نظم اقتصادی به آن وابسته است. با وجود وعده جوهر در امان‌نامه‌اش مبنی بر آزادی عقاید مذهبی (مقریزی، ۱۳۸۷: ۱۰۵/۱)،^۱ طبیعی بود که فاطمیان شیعه شعائر شیعی را اقامه و احیا کنند؛ همان‌طور که در همه حکومت‌ها، مذهب حاکمان، رایج و غالب می‌شود. جوهر در نخستین جمعه اقامتش (۲۰ شعبان ۳۵۸)، به همراه ابن فرات به مسجد عتیق (مسجد عمروبن عاص) رفت و خطیب برای اولین بار بر اهل بیت درود فرستاد و به نام خلیفه فاطمی خطبه خواند (قضاعی، ۱۴۲۵: ۱۶۴). همچنین در محرم ۳۵۹ در نماز جمعه شعائر شیعی را علنی کرد و برای اولین بار در مصر عبارت «حی علی خیر العمل» در اذان نماز جمعه گفته شد و نماز با فقه شیعی اقامه شد (یافعی، ۱۴۱۷: ۳۱۱/۲).

مبلغان اسماعیلی نیز شعائر شیعی مانند غدیر و عاشورا را بسیار گرامی می‌داشتند (قاضی نعمان، ۱۳۸۳: ۱۴/۱-۲۰) و بر لزوم بزرگداشت غدیر تأکید می‌کردند. به عقیده سیوطی، همین اقدامات و احیای شعائر شیعی، مردم مصر را تحریک می‌کرد (سیوطی، ۱۴۱۸: ۲۰/۲).^۲ در واکنش به این تغییرات مذهبی، کم‌کم عده‌ای از رعیت ذکر صحابه می‌گفتند و در فضیلت معاویه فریاد می‌زدند. هرچند این واکنش‌ها با درایت تمام و از طریق سخنرانی و گفت‌وگو توسط جوهر صقلی کنترل شد (مقریزی، ۱۳۸۷: ۱۳۱/۱)، اما با توجه به مذهب اکثریت مردم مصر به‌طور زنجیروار استمرار داشت. به نظر می‌رسد بیشتر شورش‌های مذهبی دوره المعز که مشروعیت فاطمیان را متزلزل می‌ساخت، به علت تغییرات مذهبی فاحش در یک جامعه سنی مذهب بود که توسط حاکمان شیعی مصر صورت می‌گرفت و بخشی از این شورش‌ها

۱. «إذ كان الإسلام سنة واحدة و شريعة متبعة و هي إقامتكم علی مذهبكم»

۲. «فشق ذلك علی الناس»

طبیعی بود و به مقتضای این تغییرات صورت می‌گرفت، اما شورش‌های مذهبی دوره‌العزیز به علت امنیت پایدار اقتصادی و سیاسی و رفاه حاکم بر مردم مصر، بیشتر از خارج مصر صورت می‌گرفت و بحران مشروعیت فاطمیان در این دوره در مسئله نفوذ و تسلط آنها در شهرهای مقدس بوده است.

با قدرت یافتن فاطمیان در مصر، رقابت بر سر تسلط بر مکه، بین حکومت فاطمی و عباسیان شدت گرفت. حاکمان علوی مکه نیز به منظور کشاندن اموال و ثروت بیشتر به این شهر، به این رقابت دامن می‌زدند (جعفریان، ۱۳۸۶: ۵۶). قبل از فتح و تصرف مصر توسط فاطمیان، همه‌ساله غلات از مصر به حجاز ارسال می‌شد (یعقوبی، ۱۳۵۶: ۱۱۹). وقتی پس از مرگ المعز خطبه به نام عباسیان خوانده شد، العزیز واکنش نشان داد و برای کنترل اوضاع اقدام کرد (ابن‌اثیر، ۱۳۷۱: ۸۲/۲۱؛ ابن‌خلدون، ۱۳۶۳: ۷۱/۳، ۷۲)، اما این اقدامات سه شورش را در پی داشت. نخست شورش «أبی‌حازم» در سال ۳۷۷ق (دواداری، ۱۴۲۲: ۲۱۹/۶) سپس شورش امیرالحاج عراق در حریم شریفین در سال ۳۸۰ق. در جریان این شورش بود که العزیز فاطمی مکه و مدینه را تحریم اقتصادی کرد و مانع از ارسال خواروبار به این مناطق شد؛ به طوری که قحطی و تورم در مکه اتفاق افتاد (ابن‌اثیر، ۱۳۷۱: ۸۲/۲۱؛ ابن‌خلدون، ۱۳۶۳: ۷۱/۳، ۷۲). شورش سوم توسط «قاسم علی الرسی» در سال ۳۸۴ق. انجام شد (مقریزی، ۱۳۸۷: ۲۸۱/۱) که به قطع راه‌های زیارتی منجر گردید. شورش‌های شهرهای مقدس علیه فاطمیان، از علائم مهم کاهش مشروعیت این حکومت به شمار می‌رود. جوهر صقلی در امان‌نامه، تسهیل انجام واجب حج برای مردم مصر از طریق حل بحران مشروعیت فاطمیان در شهرهای مقدس و حمایت اقتصادی از این شهرها را وعده داده بود (و اثر إقامة الحج الذی تعطل).

دوره‌الحاکم یک دوره متمایز نسبت به سایر دوره‌های فرمانروایان فاطمی در مصر بوده است. در این دوره، شخصیت منحصر به فرد و اقدامات او سهم مهمی در کاهش مشروعیت این حکومت داشت و سبب شد جایگاه خلیفه به عنوان پشتوانه‌ای برای ضمانت اجرایی تعهدات فاطمیان در امان‌نامه جوهر، تضعیف شود (لم یکن إخراجہ للعساكر المنصوره و الجیوش المظفره إلا لما فیہ إعزازکم و حمایتکم). یکی از شورش‌های سیاسی دوران خلافت او، شورش «عبدالأعلی بن الامیر هاشم بن منصور» در سال ۳۹۲ق. بود که نوعی کودتای داخلی محسوب می‌شد و در آن حتی امرای فاطمی نیز مشارکت داشتند. علت این شورش، اقدامات ظالمانه‌الحاکم بامرالله بود (مقریزی، ۱۴۱۶: ۴۷/۲). علاوه بر این شورش که در نوع خود در حکومت فاطمیان بی سابقه بود، مهم‌ترین شورش اهل تسنن در دوره فاطمیان نیز در زمان الحاکم اتفاق افتاد که ریشه در بحران مشروعیت خلیفه داشت و در پی اقدامات خاص او اتفاق

فصلنامه علمی تاریخ اسلام و ایران دانشگاه الزهراء^(س)، سال ۳۳، شماره ۵۸، تابستان ۱۴۰۲ / ۱۶۹

افتاد. این شورش که در سال ۳۹۵ق. توسط ابی رکوه انجام شد، در واقع ظهور انقلاب اهل تسنن بود (ابن جوزی، ۱۹۹۲: ۵۳/۱۵). مورخان علت گرایش و حمایت بنی قره و سایر پیروان او به این قیام را کشتارهای مردم توسط الحاکم (ابن خلدون، ۱۳۶۳: ۸۲/۳) و ضبط دارایی‌های آنها دانسته‌اند (ابن اثیر، ۱۳۷۱: ۳۰۷/۲۱).

از دیگر اقداماتی که به کاهش مشروعیت الحاکم دامن زد، فرمان‌های او علیه مقدسات اهل سنت بود. الحاکم در سال ۳۹۵ق. به منظور منزوی کردن اهل سنت از عرصه سیاست و فرهنگ، فرمان سب و لعن صحابه و خلفا و بزرگان منتسب به اهل سنت را بر منابر صادر کرد و دستور داد تا بر کتیبه‌های سردر و دیوار مساجد، مظاهر این برائت را بنگارند (انطاکی، ۱۹۹۰: ۲۵۶). این فرمان بعداً لغو شد (ابن خلکان، ۱۹۹۴: ۲۹۳/۵)، اما تأثیر منفی خود را بر جای گذاشت. در سال ۴۰۰ق. شورش حسن بن جعفر حسنی در مکه رخ داد (نویری، [بی تا]: ۱۸۶/۲۸).

در سال ۴۰۱ق. «مالک بن عقیل بن قراوش بن المقلد» امیر بنی عقیل، جلوی چشم عباسیان در موصل، انبار، مدائن و کوفه به نام الحاکم بامرالله فاطمی خطبه خواند (ابن اثیر، ۱۳۷۱: ۳۳۱/۲۱)، اما پس از کشتار بزرگان حکومتی توسط الحاکم، دوباره به اطاعت عباسیان تن داد (النویری، [بی تا]: ۱۹۰/۲۸). این گزارش نیز مانند سایر گزارش‌های تاریخی ذکر شده، نشان می‌دهد که رفتارهای سیاسی الحاکم نقش مؤثری در بحران مشروعیت او داشته است. شورش‌های بعدی مردم مصر با ریشه‌های مذهبی، از سال ۴۰۸ق. آغاز شد و تا پایان دوره خلافت الحاکم ادامه داشت. در اواخر سال ۴۱۰، مطرح کردن الوهیت الحاکم توسط داعیان افراطی فاطمیان، سبب شد دو گروه موافق و مخالف این اعتقادات، در مقابل هم صف‌آرایی کنند (انطاکی، ۱۹۹۰: ۳۴۵-۳۴۸).

آغاز نافرمانی‌ها علیه الظاهر فاطمی، شورش‌های مردم مصر به خاطر خلیفه پس از الحاکم بامرالله بود. الحاکم در ربیع‌الاول ۴۰۴، پسرعمویش «ابوالقاسم عبدالرحیم بن الیاس» را ولیعهد خود کرد. او برخلاف روال معمول مذهب اسماعیلی که امامت از پدر به پسر منتقل می‌شد، به عنوان امام بعدی معرفی و حتی به نام وی سکه زده شد. شورش عبدالرحیم بن الیاس پس از مرگ الحاکم، در اعتراض به مشروعیت خلافت الظاهر صورت گرفت؛ زیرا او قبلاً توسط الحاکم به عنوان ولیعهد معرفی شده بود (همو، همان، ۱۹۲). وقتی خبر وفات الحاکم به گوش عبدالرحیم بن الیاس رسید، خود را در دمشق -که آن زمان والی آنجا بود- خلیفه مسلمین اعلام کرد. این شورش سرانجام توسط «ست‌الملوک» مهار شد (ابن تغری بردی، ۱۳۹۲: ۱۹۴/۴). در سال ۴۱۴ق. ادعاهای یک شیعه اسماعیلی افراطی هنگام انجام اعمال حج، سبب قتل و

کشتار و شورش در مکه شد. همین امر سبب قتل و غارت وسیع مصریان در مکه گردید (ابن‌اثیر، ۱۳۷۱: ۵۰/۲۲). در سال ۴۱۶ نیز پس از دستور الظاهر برای تشویق مالی و معنوی مردم در یادگیری کتاب‌های دعائم الاسلام قاضی نعمان و رساله «یعقوب‌بن کلس» در زمینه فقه و اصول مذهب اسماعیلی، اعزام مبلغان اسماعیلی به سایر مناطق مسلمان و اخراج فقهای مالکی از مصر، علمای این مذهب واکنش نشان دادند (صنهاجی، ۱۳۸۷: ۹۲؛ مقریزی، ۱۴۱۶: ۱۷۵/۲).

همچنین پس از اقدام الظاهر در قتل یکی از داعیان شیعه در سال ۴۲۳ق. که علت آن مشخص نیست، گروهی از شیعیان نیز در قاهره شورش کردند و قصر خلیفه فاطمی را در محاصره گرفتند و برخی از داعیان شیعه خواستار عزل الظاهر شدند. این شورش با عذرخواهی خلیفه و دادن اموال فراوان به شیعیان پایان یافت (مقریزی، ۱۳۸۷: ۱۲۳/۴). در سال ۴۳۴ق. شخصی به نام سلیمان که شبیه الحاکم بود، ادعا کرد حاکم بامرالله است و بازگشته است. او پنهانی داعیانی را به بلاد مختلف فرستاد که این امر موجب ناآرامی‌هایی در قاهره شد (مقریزی، ۱۴۱۶: ۱۸۹/۲).

۶. شورش‌های مبتنی بر عدم توازن قدرت در طبقات وابسته به حکومت و تضييع حقوق مردم توسط آنان

ساختار نژادی طبقات صاحب قدرت در حکومت فاطمیان، به علت همراهی گروه‌هایی از مغربیان با آنان هنگام انتقال دستگاه خلافت به مصر، متفاوت از حکومت‌های پیشین بود. مسیحی هنگام توصیف مراسم نماز عید سال ۳۸۰ق. در زمان العزیز، بخشی از این گروه‌ها مانند کتابیان، صقلیبیان، اعراب، ترکان، دیلمیان، بقایای اخشیدیان و کافوریان را نام برده است (مسیحی، ۱۴۳۶: ۱۵۰/۴۰). توصیف ناصر خسرو از رژه نظامی سپاهیان المستنصر در سال ۴۴۱ق (ناصر خسرو، ۱۳۳۵: ۵۹-۶۰) بیانگر این نکته است که تعداد گروه‌های صاحب قدرت بیش از آن چیزی بود که مسیحی نام برده است.

مروری بر حوادث مهم سیاسی و اقتصادی عصر اول فاطمیان نشان می‌دهد که بخشی از این ناآرامی‌ها ریشه در درگیری‌های داخلی بین گروه‌های مختلف ملیتی داشته است. به عقیده صاحب‌نظران، اگرچه در عصر فاطمیان نزاع بین طبقات وجود نداشت، اما این نزاع در داخل خود طبقات وابسته به حکومت بوده (سیمینوفا، ۱۹۷۴: ۲۲۳) و مهم‌ترین تأثیر خود را بر بزرگ‌ترین بحران اقتصادی مصر، یعنی شدت مستنصریه گذاشته است. جوهر صقلی در

امان‌نامه خود به لزوم توازن قدرت در مصر توجه نشان داده بود.^۱ مهم‌ترین شورش‌های سیاسی متأثر از عدم توازن قدرت در طبقات وابسته به حکومت فاطمیان، عبارت است از: شورش بازماندگان اخشیدی تحت رهبری فردی به نام «نحیرین الشویزانی»؛ شورش تبر الاخشیدی (مقریزی، ۱۳۸۷: ۱۰۹/۱) که در واقع بازماندگان حکومت‌های قبلی مصر بودند و به منظور سهم‌خواهی از قدرت جدید مستقر در مصر، شورش کردند.

در سال ۴۱۵ق. و در زمان قحطی شدید اقتصادی، درگیری بین ترکان و مغاربه طولانی شد (مقریزی، ۱۴۱۶: ۱۶۲/۲). از آن مهم‌تر، شورش‌های غیرقابل کنترل برده‌ها بود که به شدت امنیت مصر را به مخاطره انداخته بودند. آنها علاوه بر غارت کاروان‌های حج (مسبحی، ۱۴۳۶: ۷۹/۴۰)، قافله‌های تجاری مغرب (مقریزی، ۱۴۱۶: ۱۴۳/۲) و شهرهای مصر (مسبحی، ۱۴۳۶: ۲۰۳/۴۰)، اموال نقدی حکومت را نیز می‌ربودند (مقریزی، ۱۳۸۷: ۳۵۱/۲). شورش بردگان مغربی، اثرات قحطی و کمبود مواد غذایی را تشدید کرد و زمینه را برای سایر اراذل و غارت‌کنندگان اموال مردم مانند برخی از قبایل عرب فراهم کرد (مسبحی، ۱۴۳۶: ۲۲۰/۴۰). در زمان این شورش‌ها، با انتقال مسیر کاروان‌های حج از مصر به شام و عراق، اقتصاد مصر صدمه دید (خلف، ۲۰۱۲: ۲۲۶).

نتیجه‌گیری

پژوهش‌های مقدماتی نشان داد که مصر در آستانه ورود فاطمیان، بر اثر بحران‌های سیاسی متعدد، در شرایط اقتصادی نامتعادلی قرار داشت و همین امر سبب شده بود جوهر صقلی بتواند با تنظیم امان‌نامه‌ای مکتوب که در آن تأمین امنیت، به‌ویژه امنیت اقتصادی مصریان تضمین می‌شد، زمینه‌های فتح و تصرف این سرزمین را بدون مقاومت و خون‌ریزی فراهم کند. تحلیل محتوای این امان‌نامه، نشان می‌دهد که این سند شامل حداقل نوزده موضوع مرتبط با امنیت اقتصادی است که ضمن متأثر بودن از اوضاع سیاسی قبل از تسلط فاطمیان بر این منطقه، می‌توانست بر نحوه مواجهه مردم مصر با حکومت جدید هم تأثیرگذار باشد. تعهدات مندرج در این امان‌نامه به مثابه سند رسمی تعیین‌کننده وظایف حکومت جدید در مصر، هیچ‌گاه فراموش نشد و پس از استقرار فاطمیان بارها و در قالب شورش‌ها و ناآرامی‌های

۱. «و علی أنکم تصانون و تحفظون و تحرسون و یذب عنکم و یمنع منکم، فلا یتعرض إلی أذاکم و لایسارع أحد فی الاعتداء علیکم و لا فی الاستطالة علی قویکم فضلاً عن ضعیفکم».

سیاسی، مورد مطالبه گروه‌های مختلف سیاسی و اجتماعی قرار گرفت. در واقع، سه سنخ از انواع شورش‌های سیاسی این دوره، یعنی مطالبه حقوق اجتماعی و اقتصادی اهل ذمه، شورش‌های متأثر از عدم توازن قدرت در طبقات وابسته به حکومت و تضییع حقوق مردم توسط آنان و همچنین شورش‌های وابسته به بحران مشروعیت و کاهش قدرت خلفا در اداره امور اقتصادی و سیاسی، به نوعی نشان‌دهنده مطالبه‌گری مردم مصر برای تأمین امنیت اقتصادی است. سایر درگیری‌ها و شورش‌های سیاسی دوره اول فاطمیان نیز به نوعی با موضوع امنیت اقتصادی مرتبط است؛ به طوری که بخشی از اقدامات حکومت برای اصلاحات پولی، منجر به شورش‌های سیاسی گردید. شورش‌های تجزیه‌طلبانه متأثر از تلاش قدرت‌طلبان برای دستیابی به منابع اقتصادی شهرهای ثروتمند مصر و ناآرامی‌های منطقه راهبردی شام نیز جنگ‌های داخلی و خارجی گوناگونی را پیش روی این حکومت قرار داد. البته مطالعات تاریخی نشان می‌دهد که فاطمیان به وعده‌های خود در امان‌نامه، مبنی بر حفظ مناطق جغرافیایی و اقتصادی مهم مصر، در برابر تجزیه و تسلط قدرتمند بر شام به عنوان منطقه استراتژیک تأمین امنیت تجاری و سیاسی پایبند مانده بودند و هزینه‌های زیادی برای آن متحمل شدند.

پیوست

متن امان‌نامه از کتاب *اخبار ملوک بنی عبید صنهاجی*، به همراه ترجمه فارسی آن

«بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ مِنْ عَبْدِ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ جَوْهَرَ لَجْمَاعَةِ أَهْلِ الرَّيْفِ وَالصَّعِيدِ هَذَا أَمَانٌ لَكُمْ عَلَى أَنْفُسِكُمْ وَأَمْوَالِكُمْ وَأَوْلَادِكُمْ مِنْ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ الْمُعَزِّدِينَ لِدِينِ اللَّهِ لِتَقْرُوهُ وَتَقْفُوا عَلَى مَا فِيهِ مِنْ جَمِيلِ رَأْيِ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ لَكُمْ وَحَسَنِ نَظَرِهِ إِلَيْكُمْ وَتَحْمَدُوا اللَّهَ تَعَالَى عَلَى أَمْوَالِكُمْ وَتَشْكُرُوهُ وَتَسَارِعُوا إِلَى الطَّاعَةِ الْعَاصِمَةَ لَكُمْ الْعَائِدَةَ بِالسَّعَادَةِ الْمَفْضِيَةَ إِلَى السَّلَامَةِ بِكُمْ وَلَمْ يَرِدْ بِإِخْرَاجِ هَذِهِ الْعَسَاكِرِ الْمَنْصُورَةِ وَالْجِيُوشِ الْمَظْفُورَةِ الْإِمَامِيَّةِ إِلَّا إِعْزَازَكُمْ وَحَمَايَتَكُمْ وَالْجِهَادَ عَنْكُمْ إِذْ تَخَطَّفْتُمْ الْأَيْدِيَّ وَاسْتَمَالَ عَلَيْكُمْ مِنْ طَمَعَتِ نَفْسِهِ الْاِقْتِدَارَ عَلَيْكُمْ فَشَمَلَ الْمُسْلِمِينَ الذَّلَّ وَاتَّصَلَ عَنْدَهُمُ الْخَوْفُ وَكَثُرَتْ اسْتِغَاثَتُهُمْ وَعَلَا صِرَاحُهُمْ وَأَبْكَى عَيْنَهُ مَا نَالَهُمْ وَأَسْهَرَهَا مَا حَلَّ بِهِمْ وَمَوْلَانَا أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ يَرْجُو مِنْ اللَّهِ سُبْحَانَهُ وَتَعَالَى بِفَضْلِهِ عَلَيْهِ وَإِحْسَانِهِ الْجَمِيلِ إِلَيْهِ وَمَا عَوَدَهُ وَأَجْرَاهُ عَلَيْهِ اسْتِنْقَادَهُمْ مِنَ الذَّلِّ الْمُقِيمِ وَالْعَذَابِ الْأَلِيمِ وَأَنْ يُؤْمِنَ مِنْ اسْتَوْلَى عَلَيْهِ الْوَهْلُ وَيَفْرَجَ فَرْجَ مَنْ لَمْ يَزَلْ فِي خَوْفٍ وَوَجَلٍّ وَإِجْرَاءِ إِقَامَةِ الْحُجَّ الَّذِي تَعَطَّلَ وَإِهْمَالِ الْعِبَادِ فَرُوضَهُ وَحَقُوقِهِ لِلْخَوْفِ الْمُسْتَوْلَى عَلَيْهِمْ إِذْ لَا يَأْمَنُونَ عَلَى أَنْفُسِهِمْ وَلَا عَلَى أَمْوَالِهِمْ وَاعْتِمَادِهِ لِإِصْلَاحِ الطَّرِيقَاتِ وَنَفْسِ الْفُسَادِ مِنْهَا وَقَطْعِ عَيْتِ الْعَابِثِينَ فِيهَا لِيَنْصَرَفَ النَّاسُ آمِنِينَ وَيَنْبَسُطُوا مُطْمَئِنِّينَ وَلِيَتَخَلَّفُوا إِلَى مَدِينَةِ

مصر بالأطعمة والأقوات إذ كان قد انتهى إليه إفساد القرامطة لعنهم الله في الأرض وبغيهم بغير الحق ولم يقيم للمسلمين ناصر ولا أعانهم قاهر على من أذلهم وإذ لا زاجر للمتعددين ولا قاصم للظالمين وقد أمر بتحويل السكّة وردها إلى العيار الذي عليه السكّة الميمونة المباركة وقطع العيش منها ثم ما عهد به سيدنا ومولانا أمير المؤمنين من نشر العدل وبسط الحق ورفع الظلم وقطع العدوان ونفى الأذى والمساواة في الحق وإعانة المظلوم وقمع الظالم وأن أحكم في الموارث على كتاب الله عز وجل سنة رسول الله صلى الله عليه وسلم وأمرني أن أضع ما كان يؤخذ من تركة موتاكم لبيت المال من غير وصية للمتوفى ولا استحقاق وتصيرها إلى بيت المال وأن أتقدم في رسم مساجدكم وتزيينها بالفرش وإعطاء مؤذنيها وقومتها ومن يوم فيها أرزاقهم وإدارها عليهم ولا أقطعها عنهم ولا أدفعها إلى بيت المال وإقامة من شاء على ملته إذ كان الإسلام سنة واحدة وشرعية متبعة وأن تبقوا على ما كنتم عليه من أداء الفروض في العلم والاجتماع عليه في جوامعكم ومساجدكم على ما كان عليه سالف الأمة من الصحابة والتابعين بعدهم وفقهاء الأمصار الذين جرت الأحكام بمذاهبهم وأن تجرى فروض الأذان والصلاة والصيام لشهر رمضان وفطرة والزكاة والحج والجهاد على أمر الله عز وجل في كتابه سنة نبيه صلى الله عليه وسلم وإجراء أهل الذمة على ما كانوا عليه ولكم أمان الله التام العام الدائم المتصل الشامل الكامل المتجدد المديد على مرور الليالي والآيام وتكرر الأعوام في أنفسكم وأهليكم ونعمكم وأموالكم ورباعكم وضياعكم وقليلكم وكثيركم لا يتعرض عليكم متعرض ولا يتعقب عليكم متعقب وعلى أنكم تحرسون ويذب عنكم ويمنع منكم من يريد أذاكم ولا يسمح أحد في الاعتداء عليكم ولا يترك إلى الاستطالة على قلوبكم مظلا على ضعيفكم ولا أزال مجتهدا فيما يعمكم صلاحه ويشملكم نفعه ويتصل بكم خيره وتعرفون بركته وتغبطون بطاعة سيدنا ومولانا أمير المؤمنين وعليكم الوفاء ما أزمته نفسي وأعطيتكم به عهد الله و غليظ ميثاقه و ذمته و ذمة نبينا محمد مولانا و سيدنا صلى الله عليه وسلم و رسله و ذمة الأئمة موالينا أمراء المؤمنين قدس الله أرواحهم و ذمة مولانا أمير المؤمنين أعزه الله تعالى فتخرجون إلى و تسلمون على و تكونون بين يدي إلى أن أعبّر الجسر و أنزل في المناخ المبارك و تحافظون على الطاعة و تبادرون و تسارعون إلى فروضها و لا تخذلوا وليا بمولانا و سيدنا أمير المؤمنين و لا تنصروا له عدوا و تقيمون على ما عهدتم عليه وفقكم الله و أرشدكم أجمعين و كتب هذا الأمان في شعبان سنة ۳۵۸ و صلى الله على سيدنا محمد و على آله و سلم تسليما قال جوهر الكاتب مولى أمير المؤمنين المعز لدين الله كتب هذا الأمان على ما نفذ

بِهِ أَمْرٌ مَوْلَانَا وَ سَيِّدِنَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ عَلَى الْوَفَاءِ بِجَمِيعِهِ لِمَنْ أَجَابَ مِنْ أَهْلِ الْبَلَدِ وَ غَيْرِهِمْ إِلَى مَا شَرَطَ فِيهِ وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ وَ حَسْبِنَا اللَّهُ وَ نَعْمَ الْوَكِيلُ وَ كَتَبَ جَوْهَرُ الْمَذْكُورِ فِيهِ وَ أَشْهَدُ فِيهِ الشُّهُودَ» (الصنهاجی، [بی تا]: ۸۵-۸۸).

ترجمه فارسی متن بدین شرح است: «از طرف بنده امیرالمؤمنین، جوهر، برای اهالی ریف و صعبید. این امان‌نامه‌ای است که المعز لدین‌الله بر جان‌ها، مال‌ها و فرزندان‌تان داده است تا رأی زیبا و حُسن نظر امیرالمؤمنین را نسبت به خودتان دریابید و خدای را به خاطر دارایی‌هایتان سپاس گوید و شکرگزار او باشید و در طاعت او که نگهدارتان از معصیت است شتاب نمایید و به نیکبختی بزرگی که آسایش شما در آن است بازگردید و امیرالمؤمنین این سپاه پیروزمند را برای بزرگداشت و حمایت و دفاع از شما فرستاد تا در مقابل دستانی که قصد ربودن اموال و دست‌اندازی بر شما را دارند و طمع بر سیطره و اقتدار شما بسته‌اند به یاری شما بشتابند؛ همان‌هایی که مسلمانان را ذلیل کردند و به رعب و وحشت انداختند؛ بدان‌گونه که فریاد دادخواهی‌شان فزون شد و چشمانشان اشکبار گردید و خواب راحت از دیدگانشان روده شد. مولای ما امیرالمؤمنین از خدای سبحان و متعال، فضل و نیکی مسئلت دارد و از خدا می‌خواهد تا او را در نجات مردمان از ذلتی که در آن هستند و عذاب دردناکی که به آن دچار شده‌اند، یاری نماید تا بر مردمی که دهشت‌زده‌اند، امنیت را ارزانی داشته و ایشان را از ترس و وحشت به درآورد. کسانی که پیوسته در ترس و ناامنی به سر برده‌اند و نیز فریضه حج را که تعطیل شده است، بار دیگر برپا بدارد؛ زیرا بندگان خدا بر اثر استیلاي ترس بر وجودشان و نداشتن امنیت جانی و مالی در واجبات و حقوق خدایی سهل‌انگاری نموده‌اند و نیز با اصلاح راه‌ها و نفی فساد از آنها و قطع دست متجاوزان، بار دیگر اعتماد و اطمینان را برقرار سازد و امنیت را به مردم بازگرداند و موجب انبساط خاطر ایشان شود تا مردم بار دیگر بعد از به اوج رسیدن فساد قرامطه - خدایشان لعنت کند که به ناحق طغیان نمودند و کسی به یاری مسلمانان برنخواست و آنان را برای چیره شدن بر کسانی که ذلیلشان کرده بودند، کمک نکرد و جلوی تجاوزگران را نگرفت و ستمگران را قلع و قمع نکرد - همراه با کاروان‌های آذوقه به مصر تردد کنند. امیرالمؤمنین دستور داده است تا مسکوکات و عیارشان به سکه میمون و مبارکی تغییر یابد و ناخالصی سکه‌ها برطرف شود. سپس سرور و مولای ما امیرالمؤمنین به برقراری عدالت و گسترش حق و رفع ستم و قطع دشمنی و تبعید مردم‌آزارها و برابری در حق و کمک به مظلوم و ریشه‌کن کردن ظالم کمر بست و به من دستور داد در مسائل ارت براساس کتاب خدا و سنت پیامبر(ص) حکم کنم و آنچه را که خارج از وصیت مردگان شما

باقی می ماند و نیز آنچه را که استحقاق تصرف در آن را ندارند، به بیت المال بازگردانم و با ترمیم مساجد شما و پاکیزگی و مقروش نمودن آنها و حقوق و مواجب دادن به مؤذن و خادمان آن و ائمه جماعات مساجد اقدام نموده و بی نیازشان سازم و حقوقشان را قطع نکنم و آن مواجب را به بیت المال بازگردانم و آن سان که او عقیده دارد، کار را به انجام رسانم تا اسلام سنت یگانه و شریعت پیروی شده ای باشد و شما چونان گذشته آگاهانه به ادای فرایض بپردازید و برای آن در مساجدتان اجتماع کنید آن گونه که پیشینیان امت از صحابه و تابعان و فقیهان شهرها، احکام را براساس مذاهبشان جاری می کردند. همچنین اذان، نماز، روزه ماه رمضان و عید فطر و زکات و حج و جهاد را براساس دستور خدای عزوجل در قرآن و سنت پیامبر(ص) جاری سازید و حقوق اهل ذمه را طبق معمول گذشته ادا کنید. بر شما باد امان کامل و همگانی، همیشگی و پیوسته فراگیر و درازمدت. خدای تعالی در همه شبها و روزها و سالها، امانی بر جانها و خانوادهها و نعمتها و امواتان و خانهها و کشتزارهایتان، بر گروههای اندک و بسیاریان، تا کسی متعرض شما نشود و کسی را تحت پیگرد قرار ندهد که شما در امانید و در مقابل کسانی که قصد آزارتان را دارند محافظت می شوید و اجازه ندهید کسی بر شما تجاوز کند و بر قدرتمندان شما دست یابد تا چه رسد به ضعفای شما. پیوسته می کوشم تا صلاح او را بر شما فراگیر سازم و نفعش را شامل حال شما نمایم و خیر او را به شما برسانم و برکتش را به شما بشناسانم تا با اطاعت از سرور ما امیرالمؤمنین خوشبخت شوید. بر شما باد به آنچه که خودم را بدان ملتزم ساختم و عهد و پیمان محکم خدایی را بدان وسیله به شما دادم، وفادار بمانید.

پس به ضمانت خدا و پیامبر اسلام -محمد رسول الله مولا و سرور ما(ص)- و ائمه که امیرالمؤمنین هستند -قدس الله ارواحهم- و به ضمانت سرور ما امیرالمؤمنین المعز لدین الله که خدای تعالی عزیزش بدارد، به سوی من آیید و با من بیعت کنید و همراه شوید تا راه بسپاریم و در منزلی مبارک فرود آییم. بر پیروی از او ثابت قدم باشید و بر اجرای فرامین او پیش دستی کنید و امیران مولا و سرور ما امیرالمؤمنین را خوار نکنید و دشمن را یاری ننمایید. بر پیمانستان استوار باشید، خداوند توفیقتان دهد و همگی شما را هدایت نماید» (صنهاجی، ۱۳۸۷: ۶۹-۶۶).

منابع و مأخذ

- ابن اثیر، عزالدین علی (۱۳۷۱ش)، *کامل تاریخ بزرگ اسلام و ایران*، ترجمه ابوالقاسم حالت و عباس خلیلی، ج ۲۱، ۲۲، تهران: مؤسسه مطبوعاتی علمی.
- ابن تغری بردی، ابی‌المحاسن (۱۳۹۲ق/۱۹۷۲م)، *النجوم الزاهرة فی ملوک مصر و القاهرة*، ج ۴، قاهره: المؤسسة المصرية العامة.
- ابن جوزی، أبو الفرج عبدالرحمن (۱۴۱۲ق/۱۹۹۲م)، *المنتظم فی تاریخ الأمم و الملوک*، محقق: محمد عبدالقادر عطا و مصطفی عبدالقادر عطا، اشراف: نعیم زرزور، ج ۱۵، بیروت: دارالکتب العلمیة.
- ابن خرداذبه، أبو القاسم عبیدالله بن عبدالله (۱۹۹۲م)، *المسالك و الممالک*، ترجمه سعید خاکرند، بیروت: دار صادر، افست لیدن.
- ابن خلدون، عبدالرحمن بن محمد (۱۳۶۳ش)، *تاریخ*، ترجمه عبدالمحمد آیتی، ج ۳، تهران: مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی.
- ابن خلکان البرمکی الإربلی، أبو العباس شمس‌الدین (۱۹۹۴م)، *وفیات الأعیان و أنباء أبناء الزمان*، المحقق: إحسان عباس، ج ۵، بیروت: دار صادر.
- ابن القلانسی، حمزة بن اسد [بی تا]، *تاریخ ابی‌یعلی حمزة ابن القلانسی المعروف بذیل [المذیل فی] تاریخ دمشق*، تلوه نخب من تواریخ ابن‌الأزرق القارقی و سبط ابن‌الجوزی و الحافظ الذهبی، قاهره: مكتبة المتنبی.
- ابوالفداء، اسماعیل بن علی (۱۴۱۷ق/۱۹۹۷م)، *تاریخ ابی‌الفداء المسمى المختصر فی أخبار البشر*، محقق: محمد دیوب، ج ۱، بیروت: دار الکتب العلمیة.
- اعرافی، علیرضا (۱۳۹۸ش)، *بیداری و وحدت امت اسلامی*، قم: مؤسسه اشراق و عرفان.
- انطاکی، ابوالفرج یحیی بن سعید (۱۹۹۰م)، *تاریخ الأنطاکی المعروف بصله تاریخ اوتیخاء*، تحقیق عمر عبدالسلام، طرابلس - لیبی: جروس برس.
- بابایی سیاب، علی، فاطمه جان‌احمدی و سید هاشم آقاجری (بهار و تابستان ۱۳۹۷ش)، «شاخصه‌های تاریخ‌نگاری فاطمیان در گفتمان تاریخ‌نگاری اسلامی»، *تاریخ‌نگری و تاریخ‌نگاری دانشگاه الزهراء*، سال بیست و هشتم، شماره ۲۱، صص ۳۳-۵۰.
- تامر، عارف، [بی تا]، *الخلیفة السابع الظاهر لاعزاز دین‌الله*، بیروت: دار الجیل [و دار دمشق].
- جعفریان، رسول (۱۳۸۶ش)، *آثار اسلامی مکه و مدینه*، تهران: مشعر، چاپ هشتم.
- چلونگر، محمدعلی (۱۳۸۶)، «روابط و مناسبات فاطمیان مغرب و عباسیان»، *نامه تاریخ پژوهان*، شماره ۱۱، صص ۳-۲۵.
- حسن، ابراهیم حسن (۱۹۳۲م)، *الفاطمیون فی مصر و اعمالهم السیاسیة و الدینیة بوجه خاص*، قاهره: المطبعة الامیریة.

فصلنامه علمی تاریخ اسلام و ایران دانشگاه الزهراء(س)، سال ۳۳، شماره ۵۸، تابستان ۱۴۰۲ / ۱۷۷

خلف، محمود محمد (۲۰۱۲م)، *ثورات المصريين فى العصر الفاطمى*، قاهره: الهيئة المصرية العامة للكتاب.

دفترى، فرهاد (۱۳۷۵ش)، *تاریخ و عقاید اسماعیلیه*، ترجمه فریدون بدره‌ای، تهران: فروزان دواداری، ابوبکر بن عبدالله بن اَبیک (۱۴۲۲ق/۲۰۰۱م)، *کنز الدرر و جامع الغرر*، تحقیق صلاح‌الدین المنجد، ج ۶، قاهره: مکتبه المؤید.

زیاده، احمد السيد محمد (۱۴۲۸ق/۲۰۰۷م)، «التجار الاجانب فى مصر فى العصر الفاطمى»، درجه الماجستير فى الآداب (فرع التاريخ الاسلامى)، جامعة الزقازيق.

سرور، محمد جمال‌الدین (۱۹۵۷م)، *النقوذ الفاطمى فى بلاد الشام و العراق (فى القرنين الرابع و الخامس بعد الهجرة)*، قاهره: دار الفكر العربى.

السيد الصاوى، احمد (۱۹۸۸م)، *مجاجات مصر الفاطميه؛ اسباب و نتائج*، بيروت: دار التضمان. سيد، ايمن فؤاد (۱۴۰۰ش)، *دولت فاطمیان در مصر (تحليلی جدید)*، ترجمه اسماعیل باغستانی، تهران: نشر نی.

سیمینوفا، ل. ا. (۱۹۷۴م)، *تاریخ مصر الفاطميه*، ترجمه حسن بیومی، موسکو: معهد الاستشراق الروسى، هیئة التحرير الادب الشرقى.

سیوطى، عبدالرحمن بن أبى بكر (۱۴۱۸ق/۱۹۹۷م)، *حسن المحاضرۀ فى أخبار مصر و القاهرة*، المحقق: خليل منصور، ج ۲، بيروت: دار الكتب العلمیة.

شافعى محمود، سلام (۱۹۹۵م)، *اهل الذمه فى مصر*، قاهره: الهيئة المصرية العامة للكتاب. الشوریجى، أمینه أحمد إمام (۱۹۹۴م)، *رؤية الرحالة المسلمين للاحوال المالية و الاقتصادية لمصر فى العصر الفاطمى*، قاهره: الهيئة المصرية العامة للكتاب.

الصنهاجى، أبى عبدالله محمد (۱۳۸۷ش)، *تاریخ فاطمیان (ترجمه كتاب اخبار ملوك بنى عبید و سیرتهم)*، تصحیح جلولى البدوى (الجزایر)، ترجمه حجت‌الله جودكى، تهران: امیرکبیر.

العش، محمد ابوالفرج (۱۴۲۴ق/۲۰۰۳م)، *النقوذ العربیة الاسلامیة*، ترجمه و تعليق د. أحمد ابیش، الدوحة: المجلس الوطنى للتراث و الفنون و الثقافة بدولة قطر: الطبعة الثالثة.

العیدروس، محمد حسن (۲۰۱۰م)، *الدولة الإسلامية الخامسة: الخلافة الفاطمیه، أسرة الإمام محمد المکتوم بن إسماعیل العلویة*، قاهره: دار الكتاب الحديث.

قاضى نعمان المغربى (۱۳۸۳-۱۳۸۵ق)، *دعائم الإسلام*، ج ۱، قم: مؤسسه آل البيت لإحياء التراث. قرچانلو، حسین (۱۳۸۲ش)، *جغرافیای تاریخی کشورهای اسلامى*، ج ۲، تهران: سمت.

متز، آدم (۱۳۸۸ش)، *تمدن اسلامى در قرن چهارم هجرى (یا رنسانس اسلامى)*، ترجمه علیرضا ذکاوتى قراگزلو، تهران: امیرکبیر، چاپ چهارم.

مجهول المؤلف (۱۴۲۳ق)، *حدود العالم من المشرق إلى المغرب*، قاهره: دار الثقافة للنشر.

١٧٨ / رابطة امنیت اقتصادی در امان نامه جوهر صقلی با شورش های سیاسی ... / گل مکانی و ...

مسبّحی، الأمير مختار عز الملك (١٤٣٦ق/٢٠١٤م)، ج ٤٠، قاهره: دار الكتب و الوثائق القومية.
مقدسی، ابو عبدالله محمد بن احمد (١٣٦١ش)، احسن التقاسیم فی معرفة الاقالیم، ترجمه علینقی منزوی،
ج ١، تهران: شرکت مؤلفان و مترجمان ایران.

مقریزی، تقی الدین أحمد بن علی (١٤٠٨ق)، النفود الاسلامیة المسمی بشذور العقود فی ذکر النفود،
تحقیق و اضافات محمد السید بحر العلوم، بیروت: دار الزهراء، الطبعة السادسة.

..... (١٣٨٧ق/١٩٦٧م)، اتعاض الحنفاء بأخبار الأئمة الفاطمیین الخلفاء،

المحقق: جمال الدین الشیال، ج ١، ٢، ٤، قاهره: مؤسسة دار التحرير للطبع و النشر.

..... (١٤١٦ق/١٩٩٦م)، اتعاض الحنفاء بأخبار الأئمة الفاطمیین الخلفاء،

المحقق: محمد حلمی محمد أحمد، ج ٢، ٣، قاهره: لجنة إحياء التراث الإسلامی.

..... (١٤٢٩ق)، إغائنة الأمة بكشف الغمة، قدم له و شرحه الدكتور صلاح الدین

الهوّاری، بیروت: المكتبة العصرية.

میر محمدی، سید محمد، تابستان و پاییز ١٣٨٤، «مقدمه ای بر امنیت اقتصادی»، فرهنگ اندیشه، سال
چهارم، شماره ١٤ و ١٥، ص ٢١٣-٢٦٩.

ناصر خسرو قبادیانی، ابومعین حمید الدین (١٣٣٥ش)، سفرنامه، تهران: کتابفروشی زوار.

نویری، شهاب الدین احمد بن عبدالوهاب [بی تا]، نهاية الارب فی فنون الادب، ج ٢٨، [بی جا]: [بی تا].

یافعی، عبدالله بن اسعد (١٤١٧ق/١٩٩٧م)، مرآة الجنان و عبرة الیقظان فی معرفة ما یعتبر من حوادث

الزمان، محقق: خلیل منصور، ج ٢، بیروت: دار الكتب العلمیة.

یعقوبی، احمد بن اسحاق (١٣٥٦ش)، البلدان، ترجمه محمد ابراهیم آیتی، تهران: بنگاه ترجمه و نشر

کتاب.

List of sources with English handwriting

- Abū al-Fīdā', Ismā'īl b. 'Alī.(1997).Ta'rīkh Abī al-Fīdā' al-Mosamma al-Moktaşar fī Aq̄bār al-bašar. Investigator, Mohamed Diop.Beirut: Dār ul Kotob ul 'Elmīyah.[In Arabic]
- Abū Yalī, Ḥamzat b. Asad b. AlQalanosī.(n.d). Ta'rīkh Abū Yalī. Cairo: Al-Motanabī Library.
- Abū-ul-Makarīm Sa'dullāh b. jīrīs b. Mas'ūd.(n.d). History of šeiḳ Abī al-šālīh al-Ārmānī.(n.p)[In Arabic]
- Al-Aydros, Mohammad Hassan. (2010). *The Fifth Islamic State: The Fatimid Caliphate, the family of Imam Mohammad al-Maktoum b. Ismail al-Alawiya*. first edition Cairo: Al-Hadīth Library.[In Arabic]
- Al-Dawādārī Abū Bakr b. 'Abdallāh b. Āybak(422 AH / 2001 AD), *Kanz ul-dorar wa-ĵāmī' ul-ġorar*, investigated by Salah al-Din al-Munajjid, Cairo, Al-Moayyed Library .6 vol. [In Arabic]
- Al-Esh, Mohammad Abu Al-Faraj.(2003).*Arabic Islamic money*. third edition. translation and commentary by Dr. Ahmed Ibish. Doha, National Council for Heritage, Arts and Culture in the State of Qatar, Department of Museums and Antiquities.
- al-Maqrīzī ,Taqī ul-Dīn Abū ul-'Abbās Aḥmad b. 'Alī b. 'Abd ul-Qādīr b. Moḥammad (1967) *Itt'āz ul-Ḥonafa' bī-Aq̄bar ul-A'īmhaht ul-faṭīmīyīn al-ḳolafa'*. researcher Part 1: Jamal al-Din al-Shiyal, first edition. Cairo: Dār ul-Tahrīr Foundation for Publishing and Printing, šarqe ul-'Īlanāt ul-šarqīyah Publishing House.[In Arabic]
- al-Maqrīzī ,Taqī ul-Dīn Abū ul-'Abbās Aḥmad b. 'Alī b. 'Abd ul-Qādīr b. Moḥammad (1967) *Itt'āz ul-Ḥonafa' bī-Aq̄bar ul-A'īmhaht ul-faṭīmīyīn al-ḳolafa'*. researcher Part 1: Jamal al-Din al-Shiyal, first edition. Cairo: Dar al-Tahrir Foundation for Publishing and Printing, šarqe ul-'Īlanāt ul-šarqīyah Publishing House.[In Arabic]
- al-Maqrīzī ,Taqī ul-Dīn Abū ul-'Abbās Aḥmad b. 'Alī b. 'Abd ul-Qādīr b. Moḥammad (1429 AH). *Īġāṭaht ul-Ummah bī-Kašf ul-Ġommah*. With introduction and description Salah al-Din al-Hawari. first edition Beirut: Al-Maktabat ul-'Ašrīyah, Ībna' ul-šarīf Al-Anšārī company for publishing.[In Arabic]
- al-Qādī al-No'mān, b. Ḥayyūn, al-Nu'mān b. Moḥammad,1383-1385.A.H, *Da'ā'im ul-Islam* .Qom. Āl ul-Bayt Foundation, peace be upon them, for the Revival of Heritage, Vol 1.
- Al-Shurījī, Amina Ahmad Imam. (1994). *The Vision of Al-Muslin Pilgrims for the Financial and Economic Conditions of the Fatimid Era*. first edition Cairo: Al-Mašrīyyah al-Kītab.[In Arabic]
- al-Soyūfī, 'Abd ul-Raḥmān b. Abī Bakr, 1418 AH / 1997 AD, *Ḥosn ul-Moḥādīrah fī Aq̄bār Mīsr wa-al-Qāhīrah*. investigator Khalil Mansour, Beirut, Dār ul-Kotob ul-'Elmīya.[In Arabic]
- Al-Sunhaji Abū Abdullah Mohammad,(1387 A.D), *Fatimid history (translation of the book Akhbar of the Banu Ubaid kings and their biography)*, corrected by Jalul Al-Badawi (Al-Jazair), translated by Hojatullah Joudaki, Tehran, Amīr Kabīr.[In Persian]
- Antakī, Abul Faraj Yahya b. Saeed b. Yahya (1990). *The history of Antioch known as the history of Utikha*. first edition Haqqah and Sana Faharse: Omar Abdeslam Tadmori, Tripoli: Jaros Bors. .[In Arabic]
- Arafi, Alireza.(2019). *Awakening and the unity of the Islamic nation*. Qom: Išrāq and 'Erfān Institute. [In Persian]
- Aref ,Tamer.(n.d). *The seventh caliph al-Zahir li-I'zaz Din Allah*. Beirut: Dār Al-jīl.
- Babaei Siab, Ali etal. (2018). *The Features of Fatimid's Historiography in Islamic Historiography Discourse*. Journal of Historical Perspective & Historiography. [In Persian]
- Chalongar, Mohammad Ali.(2007). *The relations between the Maghrib Fatimids and the Abbasids*. The Quarterly Journal of Tarikh Pohuhan.No11/vol3.page3-25.
- Daftari, Farhad. (1996). *History and Beliefs of Ismailia*. Fereydoun Badrei, Tehran: Forūzān Publishing. [In Persian]

- El-Sawy, Ahmed El-Sayed. (1988). *Famines and Their Impact on the Financial and Cultural Aspects of the Fatimid Period in the Egypt*, first edition Beirut: Dār ul-Tazamān.[In Arabic]
- Hassan, Ibrahim Hassan. (1932). *The Fatimids in Egypt and their political and religious actions in particular*. Cairo: Al-Amīrī Press.[In Arabic]
- Ibn al-ǧawzī, Abū al-Faraǧ Abd u-Raḥmān b. ‘Alī. (1992), *al-Montaẓam fī Ta’rīḳ al-molūk wa al-Umam*. Investigators, Mohamed Abdel-Qader Atta and Mustafa Abdel-Qader Atta. Beirut: Dār ul Kotob ul Elmīyah.[In Arabic]
- Ibn Aṭīr ‘Īzz ul- Dīn ‘Alī al-ǧazarī, (1992). *Al-Kāmīl fī al-Tārīḳ* . Translated by Abolghasem Halat and Abbas Khalili. Tehran: scientific and cultural publications. [In Persian]
- Ibn ǧaldūn, ‘Abdur-Rahman b. Moḥammad. (1984). *al-‘Ībar wa Dīwān al-Mobtada’ wa al-ḳabar fī Ta’rīḳ al-‘Arab wa al-Barbar wa Man ‘Āṣarahum mīn Dhawī ash-Sha’n al-Aḳbār*. Translated by Abdul Mohammad Ayati. Tehran: Institute of Cultural Studies and Research.[In Arabic]
- Ibn ǧalīkān, Aḥmad b. Moḥammad (1994). *Wafayāt ul-A’yān wa Anba’ Abna’ ul-Zaman*. The investigator, Ehsan Abbas. first edition. Beirut: Dār ṣādīr.[In Arabic]
- Ibn ǧordādbeh, Abū ul-Qāsīm ‘Ubaydallah b. ‘Abdallah b. ǧordādbeh.(1992). *Kīṭāb al-Masālīk wa al- Mamālīk* . Translated by Saeed Khakrand. Beirut: Dār ṣādīr. In Arabic]
- Ibn Taǧrābardī,ǧamal ul-Dīn Yūsuf b. al-Amīr Sayf ul-Dīn (1972). *Al-Noǧūm ul-Zāḥīrah fī Molūk Mīṣr wa-al-Oāḥīrah*. The fourth volume, the first edition, Cairo: Ministry of Culture and National Guidance, Al-Masryah Al-Ame. .[In Arabic]
- Jafarian, Rasul. (2007). *Islamic works of Mecca and Medina*, Tehran, Maš‘ar,8th edition. [In Persian]
- Khalaf, Mahmoud Mohammad. (2012). *The revolutions of the Egyptians in the Fatimid era*. first edition Cairo: Al-Masriyyah El-Masriyyah Al-Kattab.[In Arabic]
- Mirmohammadi, Seyyed Mohammad.(2005). *An introduction to economic security*. Farhang-e Andīseh, fourth year, numbers 14 and 15.
- Nūveīrī-šīhāb ud-Dīn Aḥmad b. ‘Abd ul-Waḥḥāb,(n.d). *Nīḥāyat ul-‘Arab fī Fonūn ul-Adab*.(n.p) 28 Vol
- Qadi Qudai, Mohammad b Salamah b. Jaafar b. Ali bin Hakamon.(2004). *Al-Qudha’i’s history called ‘Uyūn Aḳbār wa Fonūn Aḳbār al-ǧalā’īf*. Investigator, Ahmed Fareed Mazyed, Beirut, Dar al-Kutob Al-Alamiya"
- Qobādīyānī Balkī Nāser ǧosrow. (1956). *Safarnāmeḥ*, Tehran: Sepehr publisher.[In Persian]
- Sayyid,Ayman Fuad.(1992). *Fatimid government in Egypt (new analysis)*, Translated by Esmail Baghestani,Tehran, Ney publishing house.[In Persian]
- Shafei Mahmoud,Salam.(1995). *Dhimmis in Egypt*. Cairo: The Egyptian General Book Organization.
- Siminova, L.A. (1974). *History of Fatimid in Egypt*. Translated by Hasan Bayoumi. first edition Moscow: Al-Istīšraq ul-Rossī Institute, Taḥrīr al-Adab al-šarqī.[In Arabic]
- Sorour, Mohammad Jamaluddin. (1975). *The Fatimid influence in the Levant and Iraq* (in the fourth and fifth centuries after the Hijrah). Cairo: Dār ul-Fīkr Al-‘Arabī.[In Arabic]
- Unknown Author.(2002). *Ḥodūd ul- ‘Ālam*, Cairo: Dār ul- Ṭīqafa for publishing.
- Yāfe’ī, ‘Abdullāh b. As‘ad.(1997). *Mīr‘āt ul-ǧīnān wa-‘Ībrat ul-Yaqzān fī Ma’rifat ma yo‘tabar mīn Ḥawādīṭ ul-Zamān*. Researcher Khalil Mansour, Beirut: Scientific Books House .
- Ya‘qūbī, Abī Ya‘qūb b. Waḍīḥ. (1977). *Kīṭāb ul-32. Al-Boldān*. Translated by Mohammad Ibrahim Ayati. Tehran: Book Translation and Publishing Company. [In Persian]
- Ziadeh, Ahmed El-Sayed Mohamed.(2007). *Foreign merchants in Egypt during the Fatimid period*, supervised by Dr. Mohammad Abdullah al-Naqeera. Egypt: Master's degree in Arts (Islamic History Branch), Faculty of Arts, Zagazig University.[In Arabic]



The relationship between economic security in Jawhar al Siqilli's AmanNameh (Treaty) and the political rebellions of the first period of the Fatimid Caliphate.¹

Vajihe Golmakani²
Fatemeh Janahmadi³

Received: 2023/02/07
Accepted: 2023/0/20

Abstract

Security as a basic need of societies has taken on various dimensions throughout history, with the economic dimension always having a higher priority as an intermediate goal for Muslim nations. The AmanNameh of Jawhar al Siqilli (Treaty of Jawhar al Siqilli) from the commander of the Fatimid army to the Egyptian people is one of the most important historical documents about the Muslims' attention to the issue of economic security. At the threshold of the arrival of the Fatimid, Egypt was in an unbalanced economic situation due to numerous political crises, which prompted Jawhar al Siqilli to take over Egypt without resistance and killing by drawing up a written treaty promising economic security. This article attempts to analyze the content of this contract and General Fatimid's promise of economic security for Egypt and answer the main question: What is the connection between the political unrest in Egypt and the content of this promise of economic security? The findings of the research based on the method of description and analysis of historical data as well as the analysis of the content of the AmanNameh text(Treaty), show that the political riots of this period, based on the causes of their formation, can be classified into six general categories, all of which are related to the themes of the AmanNameh(Treaty) in the field of providing economic security.

Keyword: Egypt, Fatimid caliphate, Jawhar al Siqilli, Economic Security, Political Rebellions, AmanNameh Text(Treaty).

1. DOI: 10.22051/hii.2023.42723.2751

2 . Ph.D. student of Islamic history, Department of History, Faculty of Humanities, Tarbiat Modares University.Tehran.Iran. golmakani14@gmail.com

3. Professor of Islamic history, Department of History, Faculty of Humanities, Tarbiat Modares University, Tehran.Iran. (Correspondence author) f.janahmadi@modares.ac.ir

Print ISSN: 2008-885X/Online ISSN:2538-3493